

مشکل قانونی افشای اسامی بدهکاران بانکی

جهانبخش نورایی - وکیل دادگستری و مشاور حقوق تجارت

اشاره

چندی پیش، موضوع اعلام اسامی بدهکاران بزرگ بانکی در جراید مطرح شده بود و حساسیت‌ها و واکنش‌هایی را به دنبال داشت. در این جا موضوع افشای اسامی بدهکاران بانکی از لحاظ حقوقی مورد بحث قرار می‌گیرد و پیامدهای آن بررسی می‌شود.

بانک و اقتصاد

نشان و بردن آبرو و اعتبارش در محیط کسب و کار نشده است. سخت‌ترین تنبیهات هم تقاضای اعلام ورشکستگی بدهکاران از دادگاه است که آن نیز باید طبق مقررات و هنجارهای پیش‌بینی شده در باب یازدهم قانون تجارت به عمل آید. به نظر نمی‌رسد که سخنگوی دولت و هیچ مسؤول و مقامی بتواند خارج از این چارچوب در مورد بدهکاران بانکی رفتار کند. اگر هم بخواهند با نام بردن از اشخاص به افشاگری بپردازند، با موانع قانونی بسیاری روبه‌رو خواهند بود که برای صیانت از حقوق فردی و اجتماعی، حفظ اسرار و شهرت تجاری و پیشگیری از اختلال در امنیت اقتصادی جامعه به وجود آمده‌اند.

اصل ۲۲ قانون اساسی حیثیت و شغل اشخاص را، جز با اجازه قانون، از تعرض مصون می‌داند. ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی می‌گوید: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی، به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد شده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسؤول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.»

ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی هم برای افشا کنندگان اسرار مردم مجازات تعیین کرده است و بانک‌ها با بخشنامه‌های متعدد، کارکنان خود را به حفظ اسرار و اطلاعات مشتریان و جلوگیری از افشا و اعلام آنها - جز در موارد قانونی - مکلف کرده‌اند. افشای غیرمجاز اطلاعات و اسرار، ضمان‌آور است و به همین دلیل، براساس بند "ج" ماده ۳۵ قانون پولی و بانکی کشور «هر بانک در مقابل خساراتی که در اثر عملیات آن متوجه مشتریان می‌شود، مسؤول و متعهد جبران خواهد بود.» در قانون مربوط به اصل ۴۴، قانون مالیات‌های مستقیم، قانون مبارزه با پولشویی، قانون بازار



افشای غیرمجاز اطلاعات و اسرار، ضمان‌آور است.

بی‌گمان اعلام اسامی بدهکاران بانکی به این سادگی نیست و دو مشکل اساسی دارد: اول اینکه، بدهکاری، جزو اسرار مشتریان بانک‌ها است و هیچ بانک و شخص و مقام دولتی بدون حکم دادگاه حق افشا و علنی کردن نام و نشان بدهکار و بدهی معوقه او را ندارد؛ دوم اینکه اسامی بدهکاران را به این شکل اعلام کردن، پیامدی جز رواج ناامنی و نگرانی و دل‌سردی فعالان اقتصادی نخواهد داشت. راه‌هایی که سال گذشته دولت با تصویب آیین نامه وصول مطالبات معوقه بانکی پیش‌بینی کرد، در مجموع هنوز هم به رغم برخی ایرادها، در مقایسه با برخوردهای احساسی، روشی اصولی و قابل قبول است. در این آیین‌نامه، برای بدهکاران "بد حساب" دریافت وجه التزام، عدم اعطای تسهیلات - اعم از ارزی و ریالی -، عدم گشایش اعتبارات اسنادی، عدم تحویل دسته چک و افتتاح حساب جاری جدید، محرومیت استفاده از تمامی تسهیلات و مشوق‌های صادراتی پیش‌بینی شده، اما به درستی، در هیچ جای آن بدهکار تهدید به علنی کردن نام و

اعلام اسامی
بدهکاران، پیامدی
جز رواج ناامنی و
نگرانی و دل‌سردی
فعالان اقتصادی
نخواهد داشت.

اوراق بهادار، قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید ... نیز بر پاسداری از اسرار مشتریان و بازرگانان و امکان دسترسی به چنین اطلاعاتی فقط از طریق مقام‌های ذیصلاح و مجاز اداری و قضایی تصریح شده است.

در چنین فضایی البته این پرسش هم مطرح می‌شود که تا کی قرار است با این گونه توجیهات و قانون قانون کردن‌ها، بر سوء استفاده‌های کلان و ثروت‌های بادآورده سرپوش بگذاریم و در نهایت هم به جای قارون‌ها، یقه آفتابه دزدها را بگیریم؟

بنده معتقدم این بساط تا زمانی باقی است که قانون خطی خشک و خالی در میان کتاب‌ها باشد و حقوق



کسانی هم وجود دارند که در اثر محاسبات غلط یا نوسانات ارزی یا... تا گلو در قرض فرو رفته‌اند.

اشخاص و بنگاه‌هایی باشند که با رانت‌خواری و زد و بند و چسبیدن به قدرت، به وام‌ها و تسهیلات کلان دست یافته باشند و نتوانند یا نخواهند آنچه را گرفته‌اند، باز پس دهند، اما کسانی هم هستند که بر اثر سرمایه‌گذاری‌های وسیع و گاه بلندپروازانه، برخی محاسبات غلط، نوسانات ارزی، بحران‌های جهانی و موانع داخلی، تا گلو در قرض فرو رفته‌اند و حسابشان از دسته اول بی‌تردید جدا است و بانک‌ها در برابر آنها جز تفاهم و وصول مطالبات از راه‌های واقع‌بینانه چاره دیگری ندارند. هر دو گروه را بنابراین نمی‌شود به یک چوب راند و تر و خشک را با هم سوزاند، البته حتی اشخاصی نیز که به فساد و مال‌اندوزی نامشروع متهم‌اند، حق دفاع از خود دارند و جای محاکمه آنان در خیابان نیست، در دادگاهی است که زیر نظر قضات دانا و عادل و شجاع به درستی تشکیل شود، بر کیفرخواستی بی‌خشم و غرض‌تکیه کند و با کارشناسی و انصاف حکم براند. روشن است نتیجه دادرسی نهایی هر چه باشد، با صلاح‌دید قاضی دوران‌دیش می‌تواند بسته به مورد به اطلاع عموم برسد و نام و نشان محکومان افشا شود تا فریفتگان پول مفت، عبرت بگیرند و روشن شود که مملکت حساب و کتاب دارد.

در ارتباط با دادگاه‌های پرتوان و کارآمدی که بتوانند تخلفات و جرایم بانکی را اینگونه رسیدگی کنند، ماده ۲۱ آیین‌نامه وصول مطالبات معوقه بانکی، وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی رامکلف کرده است که با همکاری وزارت دادگستری، پیگیری لازم را برای تشکیل دادگاه‌های خاص به منظور رسیدگی به مسایل بانکی و اعتباری انجام دهند. این دادگاه‌ها می‌توانند در اجرای عدالت و تمییز قربانیان بحران‌ها و تنگنای اقتصادی، از بند و بست چپ‌های حرفه‌ای، نقش کلیدی داشته باشند، به شرطی که علاوه بر استقلال رأی و تأثیر نپذیرفتن از غوغاها، از نظر دادرسان توانا و ظرفیت کارشناسی نهادهایی مانند اتاق‌های بازرگانی و تشکل‌های کارفرمایی بهره گیرند. تجربه نشان می‌دهد که این تشکل‌ها از ریشه‌ها و علل مختلف به تعویق افتادن پرداخت مطالبات بانکی بیش از همه آگاهند.

منبع: دنیای اقتصاد/سایت رستاک

اجتماعی مردم در وسط زمین و آسمان معلق بماند. یکی از این حقوق، پیکار با فساد و درآویختن با بزهکاران اقتصادی و کیفر دادن آنها است و حق دیگر - که کم‌اهمیت‌تر از آن یکی نیست - حفظ آبرو و حرمت انسانی و شغلی صاحبان تجارت و صنعت است. در میان بدهکاران بانکی، شاید

دادگاه‌های خاص
برای رسیدگی به
مسایل بانکی و
اعتباری، می‌توانند
در اجرای عدالت
و تمییز قربانیان
بحران‌ها و
تنگنای اقتصادی،
از بند و بست
چپ‌های حرفه‌ای،
نقشی کلیدی
داشته باشند.

خواننده ارجمند

از خدمات اشتراک و تبلیغی ما استفاده بفرمایید

مجله بانک و اقتصاد